



شرح جانفشانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ خندق

اگر حضرت علی(علیه السلام) در این نبرد جلوی تجاوز قهرمان‌های قریش را نمی‌گرفت یا در این راه کشته می‌شد، عبور سربازان دشمن از خط دفاعی خندق آسان و قطعی بود...

ویژه نامه سالروز جنگ خندق در 17 شوال

شرح جانفشانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ خندق در بیان آیت الله سبحانی

اگر حضرت علی(علیه السلام) در این نبرد جلوی تجاوز قهرمان‌های قریش را نمی‌گرفت یا در این راه کشته می‌شد، عبور سربازان دشمن از خط دفاعی خندق آسان و قطعی بود و سرانجام موج سپاه دشمن متوجه ستاد ارتش اسلام می‌شد و تا آخرین نقطه میدان می‌تاختند و نتیجه آن جز پیروزی شرک بر آیین توحید و بسته شدن پرونده اسلام نبود.

از حوادث مهم سال پنجم هجرت که در 17 شوال آن سال اتفاق افتاد، جنگ خندق بود که با توجه به کثرت سپاه و تجهیز لشکریان قریش، محاصره طولانی و نبودن آذوقه کافی در شهر مدینه، همچنین دشواری وضع اقتصادی، کارشکنی‌های داخلی که از ناحیه یهود بنی‌قریظه و منافقین می‌شد و به سختی مسلمانان را تهدید می‌کرد، برای پیغمبر اسلام و پیروان آن بزرگوار یکی از سخت‌ترین جنگ‌ها و دشوارترین درگیری‌هایی بود که با دشمن داشتند و مانند گذشته به کمک و یاری خدای تعالی، ایمان، فداکاری و استقامت، بر همه این مشکلات پیروز شدند و همه دشمنان را مغلوب ساختند و از این کارزار سخت و دشوار نیز فاتح و سربلند بیرون آمدند.

* طرح یک ایرانی در مدیریت بحران غزوه احزاب

به گفته 171#&؛ ابن هشام؛ کسی که حفر خندق را به رسول الله(ص) پیشنهاد کرد، سلمان فارسی بود و در تفسیر قمی جلد 2 صفحه 177 آمده است: 171#&؛ سلمان به رسول الله (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: 171#&؛ ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله) ! به درستی که نیروی کم و اندک ما نمی‌تواند در برابر نیروی زیاد و عظیم دشمن مقاومت کند؛&؛

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: 171#&؛ پس چه کنیم؟؛ سلمان گفت: 171#&؛ خندقی حفر کنیم تا میان ما و دشمن حائلی ایجاد کند و اگر چنین کنید، می‌توانید آنها را عقب برانید، اما آنها نمی‌توانند از هر طرف به ما حمله کنند.

به درستی که ما در بلاد فارس چنین بودیم که هرگاه لشکر عظیمی از دشمن به ما یورش می‌آورد، در اطراف محل استقرار خندقی حفر می‌کردیم تا نبرد تنها در جناح‌های مشخص شده، صورت گیرد، پس از سخنان سلمان، جبرئیل بر پیامبر(صلی الله علیه و آله) نازل شده و گفت: 171#&؛ ای پیامبر(ص)، سلمان خوب مشورتی داد، پس به گفته او عمل کرده و مشورتش را نیک شمار؛&؛

* سخنی که پیامبر(صلی الله علیه و آله) در حمایت سلمان فارسی بیان کرد

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حفر هر بخش از خندق را به عهده گروه خاصی از مسلمین قرار داده بود، در میان حفر کنندگان برخی بیش از دیگران کار کرده و فعالیتشان چشمگیر بود، یکی از این افراد سلمان فارسی بود، او عملیات حفاری را به خوبی می‌دانست و طبق برخی نقل‌ها به اندازه 10 مرد کاری کوشش می‌کرد، به همین جهت هر یک از دو گروه انصار و مهاجر سعی کردند، او را به خود نسبت داده و سلمان را از خود برشمردند، وقتی این اختلاف به محضر رسول الله(ص) عرض شد، حضرت فرمود: 171#&؛ سلمان، نه از مهاجرین است و نه از انصار، بلکه او از ما اهل بیت(علیهم السلام) است؛&؛

* مرد جوانی که در برابر قهرمان قریش قرار گرفت

آیت‌الله جعفر سبحانی در کتاب 171#&؛ فروغ ولایت؛ درباره شرح ماجرای جنگ احزاب و جانفشانی امیرالمؤمنین(علیه السلام) چنین می‌گوید:

هر بار که ندای قهرمان عرب 171#&؛ عمرو بن عبدود؛ برای مبارزه بلند می‌شد، فقط جوانی بر می‌خاست و از پیامبر اجازه می‌گرفت که به میدان برود، ولی پیوسته با مقاومت و امتناع آن حضرت روبه‌رو می‌شد، آن جوان حضرت علی(علیه السلام) بود و پیامبر(صلی الله علیه و آله) در برابر تقاضای او می‌فرمود: بنشین این عمرو است!

عمرو برای بار سوم نعره کشید و گفت: صدایم از فریاد کشیدن گرفت، آیا در میان شما کسی نیست که به میدان گام نهد؟ این بار نیز حضرت علی(علیه السلام) با التماس فراوان از پیامبر(صلی الله علیه و آله) خواست که به وی اذن مبارزه دهد.

*جمله تاریخی پیامبر(صلی الله علیه و آله) درباره امام علی(علیه السلام) در جنگ خندق

پیامبر فرمود: این مبارز طلب عمرو است، حضرت علی(علیه السلام) عرض کرد: باشد! سرانجام پیامبر با درخواست وی موافقت کرد و شمشیر خود را به او داد و عمامه‌ای بر سر او بست و در حق او دعا کرد و گفت: خداوند! علی را از بدی حفظ فرما، پروردگارا! در بدر 171#&؛ عبیده؛ و در احد شیر خدا 171#&؛ حمزه؛ را از من گرفتی، خداوند! علی را از آسیب حفظ فرما. سپس این آیه را تلاوت کرد: 171#&؛ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ؛ (انبیاء: 89) سپس این جمله تاریخی را بیان فرمود: 171#&؛ بَرَزَ الْإِيمَانُ كُلُّهُ إِلَى الشِّرْكِ كُلِّهِ؛ یعنی دو مظهر کامل ایمان و شرک با هم روبه‌رو شدند.

امام(علیه السلام) برای جبران تأخیر به سرعت رهسپار میدان شد و رجزی به وزن و قافیه رجز قهرمان عرب خواند که مضمون آن این بود که عجله مکن، مرد نیرومندی برای پاسخ به ندای تو آمده است!

... آن‌گاه حضرت علی(علیه السلام)، عمرو بن عبدود را به یاد نذری انداخت که با خدا کرده بود که اگر فردی از قریش از او دو تقاضا کند یکی را بپذیرد و عمرو گفت: چنین است، حضرت علی(علیه السلام) گفت: درخواست نخست من این است که اسلام را بپذیری، قهرمان عرب گفت: از این درخواست بگذر که مرا نیازی به دین تو نیست.

سپس حضرت علی(علیه السلام) گفت: بیا از جنگ صرف نظر کن و رهسپار زادگاه خویش شو و کار پیامبر را به دیگران واگذار که اگر پیروز شد سعادت برای قریش است و اگر کشته شد، آرزوی تو بدون نبرد جامه عمل پوشیده است.

عمرو در پاسخ گفت: زنان قریش چنین سخن نمی‌گویند، چگونه برگردم، در حالی که بر محمد دست یافته‌ام و اکنون وقت آن رسیده است که به نذر خود عمل کنم؟ زیرا من پس از جنگ بدر نذر کرده‌ام که بر سرم روغن نمالم تا انتقام خویش را از محمد بگیرم.

این بار حضرت علی(علیه السلام) گفت: پس ناچار باید آماده نبرد باشی و گره کار را از ضربات شمشیر بگشاییم، در این موقع قهرمان سالخورده از کثرت خشم به سان پولاد آتشین شد و چون حضرت علی(علیه السلام) را پیاده دید از اسب خود فرود آمد و آن را پی کرد و با شمشیر خود بر حضرت علی تاخت و آن را به شدت بر سر آن حضرت فرود آورد.

حضرت علی(علیه السلام) ضربت او را با سپر دفع کرد، ولی سپر به دو نیم شد و کلاهخود نیز درهم شکست و سر آن حضرت مجروح شد، در همین لحظه امام فرصت را غنیمت شمرده، ضربتی محکم بر او فرود آورد و او را نقش بر زمین ساخت، صدای ضربات شمشیر و گرد و خاک میدان مانع از آن بود که سپاهیان دو طرف نتیجه مبارزه را از نزدیک ببینند.

اما وقتی ناگهان صدای تکبیر حضرت علی(علیه السلام) بلند شد، غریو شادی از سپاه اسلام برخاست و مسلمانان دریافتند که حضرت علی(ع) بر قهرمان عرب غلبه یافته، شر او را از سر مسلمانان کوتاه ساخته است.

*جمله مقایسه‌ای پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در پایان جنگ احزاب

... اگر حضرت علی(علیه السلام) در این نبرد شرکت نمی‌کرد و یا کشته می‌شد قریب به اتفاق سربازانی که در دامنه کوه 171#&؛ را گرداگرد پیامبر بودند و از غرش‌های قهرمان عرب مثل بید می‌لرزیدند، پا به فرار گذارده، از کوه سلع بالا رفته و می‌گریختند، چنان‌که عین این جریان در نبرد احد و نبرد حنین که سرگذشت آن در تاریخ منعکس است، رخ داد و جز چند نفر انگشت‌شمار که در میدان نبرد استقامت ورزیدند و از جان پیامبر(صلی الله علیه و آله) دفاع کردند، همه پا به فرار گذاشتند و پیامبر(صلی الله علیه و آله) را در میدان تنها نهادند.

اگر حضرت علی(علیه السلام) در این نبرد جلوی تجاوز قهرمان‌های قریش را نمی‌گرفت یا در این راه کشته می‌شد، عبور سربازان دشمن از خط دفاعی خندق آسان و قطعی بود و سرانجام موج سپاه دشمن متوجه ستاد ارتش اسلام می‌شد و تا آخرین نقطه میدان می‌تاختند و نتیجه آن جز پیروزی شرک بر آیین توحید و بسته شدن پرونده اسلام نبود، بنابراین محاسبات، پیامبر گرامی(صلی الله علیه و آله) فداکاری حضرت علی(علیه السلام) در آن روز چنین ارزیابی کرد و فرمود: 171#&؛ ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ؛ ارزش ضربتی که علی در روز خندق بر دشمن فرود آورد از عبادت جهانیان برتر است.

منبع : فارس